انترناسیونال ۴۶۹

بهروز مهرآبادی

**شکستی دیگر، افتضاحی بیشتر**

رویای شیرین جمهوری اسلامی برای برگزاری اجلاس غیر متعهدها در تهران از همان ساعات اول شروع آن، به کابوس تبدیل شد. هیچ کدام از اهدافی که ماهها برای تحقق آن تلاش کرده بود، برآورده نگردید و ماحصل این اجلاس با صرف بیش از هزار میلیارد تومان، ارائه چهره ای کریه تر، رسوا تر و مفلوک تر از یک رژیم جنایتکار بود.

یک هدف مهم جمهوری اسلامی پیدا کردن راه حلی برای نجات رژیم سوریه بود و در این زمینه بیشترین امید خود را به محمد مورسی بسته بود. یک هفته قبل از برگزاری اجلاس وزیر امور خارجه مصر در گفتگو با خبرگزاری رویتر اعلام کرد که دولت مصر مذاکراتی با مسئولان ایران، عربستان و ترکیه در مورد سوریه شروع کرده است. او در یک کنفرانس مطبوعاتی در قاهره اعلام کرد که جمهوری اسلامی می تواند در حل بحران سوریه کمک کند. احمدی نژاد به عربستان رفت و ظاهرا تلاش کرد تا با مقامات این کشور در مورد سوریه به سازش هایی دست پیدا کند. سفرهای مقامات جمهوری اسلامی به کشورهای منطقه قبل از برگزاری اجلاس، حمایت روسیه و چین از رژیم بشار اسد و سفر محمد مورسی به چین قبل از شرکت در اجلاس غیر متعهد ها، این دلخوشی را در جمهوری اسلامی بوجود آورده بود که در کنفرانس به اصطلاح غیر متعهد ها می تواند به توافقی دست یابد تا حکومت بشار اسد را حفظ کند و یا حداقل تشکیل حکومت آینده در سوریه به منافع جمهوری اسلامی صدمه کمتری بزند.

سخنرانی محمد مورسی در ابتدای تشکیل اجلاس رویاهای جمهوری اسلامی را نقش بر آب کرد. محمد مورسی سخنان خود را با درود فرستادن به "ابوبکر، عثمان، عمر و علی" شروع کرد. این به معنی دهن کجی به ولی فقیه و اعلام این بود که در صحنه جنگ مذهبی و تحولات منطقه در مقابل جمهوری اسلامی و در کنار عربستان سعودی و متحدانش قرار دارد. محور اصلی سخنرانی محمد مورسی حمله به حکومت سوریه و رژیم بشار اسد بود. او در سخنان خود شدیدا به حکومت سوریه و حامیانش حمله کرد. موضعگیری محمد مورسی برای برگزار کنندگان اجلاس غیر منتظره بود. مقامات رژیم با عجله و ناشیانه دست به سانسور سخنرانی مورسی زدند. در پخش مستقیم این سخنرانی که از تلویزیون دولتی رژیم پخش و بجای صدای سخنران ترجمه فارسی آن پخش می شد، بخشی از صحبت های مورسی را حذف کردند و سخنانش در مورد سوریه را نیز به شکلی تغییر دادند که به معنی حمایت از حکومت سوریه تلقی شود. از جمله جمله ای که مورسی در آن مورسی شدیدا به حکومت بشار اسد حمله می کند، را به این ترتیب شکل ترجمه کردند که: "ما باید از دولت مردمی سوریه حمایت کنیم!" و در حالی که مورسی در سخنان خود اسمی از بحرین نبرده بود در چند مورد نام بحرین را قرار دادند. این عمل احمقانه رسوایی بزرگی برای جمهوری اسلامی ببار آورد و بلافاصله موضوع دست انداختن و استهزای رژیم در سراسر جهان شد.

دولت مصر بلافاصله به این عمل اعتراض نموده و تبلیغات جمهوری اسلامی را در مورد ارتقای سطح روابط دیپلماتیک دو دولت تکذیب کرد. دولت بحرین هم خواستار عذرخواهی جمهوری اسلامی شد و دولتهای عضو شورای همکاری های خلیج با صدور بیانیه ای به جمهوری اسلامی اعتراض کردند. اما این کثافت کاری منحصر به سانسور سخنرانی محمد مورسی نبود. صحبت های بان کی مون دبیر کل سازمان ملل در دیدار با خامنه ای نیز سانسور شد. حتی انتقادات محافظه کارانه بان کی مون از نقض حقوق بشر در ایران، خواست نابودی اسرائیل توسط جمهوری اسلامی و انکار هولوکاست توسط رهبران رژیم، در رسانه ها و اطلاعیه های رسمی رژیم حذف شد و علی اکبر ولایتی مشاور عالی بین المللی خامنه ای مدعی گردید که بان کی مون خامنه ای را "رهبر جهان اسلام" خطاب کرده است. سخنگوی دبیر کل سازمان ملل به سانسور سخنان بان کی مون اعتراض کرد و ادعای علی اکبر ولایتی را تکذیب نمود. این عمل جمهوری اسلامی بیانگر این است که چقدر نیاز دارد در میان مردم صورت خودش را با سیلی سرخ نگهدارد و پنهان کند که خارج از حوزه قدرت سرکوبش از هیچ آبرو و اعتباری برخوردار نیست.

این نمونه های سانسور و جعل وقیحانه برای مردم ایران که هر روز شاهد موارد متعدد آن از طرف دست اندرکاران جمهوری اسلامی هستند، امری عادی و شناخته شده است. مردم به درستی بر این باورند که اعتماد به سخنان مقامات حکومت اسلامی و پذیرش آن می تواند فقط دلیلی بر بلاهت و یا همدستی با حکومت باشد، اما این اعمال در سطح جهانی با ناباوری و استهزا روبرو گردید. در دنیای سیاست بورژوایی دروغگویی و جعل و سانسور امری طبیعی و رایج است، اما اقدام جمهوری اسلامی با این زمختی وقاحت بی اندازه جمهوری اسلامی را نشان میداد. میزان شعور دست اندرکاران جمهوری اسلامی به آنها اجازه نمی دهد که تفاوت مجامع بین المللی با نماز جمعه، مجلس روضه خوانی، صدا و سیمای رژیم و یا صحن مجلس شورای اسلامی را درک کنند. جمهوری اسلامی بی آبروتر از آن است که افکار عمومی مردم جهان را در نظر داشته باشد. این اقدام از سوی دیگر نشان می دهد که رژیم از طرح هر مسئله ای که موقعیت ضعیف او را در منطقه به مردم ایران نشان دهد، هراسان و وحشت زده است.

تیرهای جمهوری اسلامی برای حل بحران هسته ای رژیم و کاهش فشارهای آمریکا نیز به سنگ خورد. هر چند هیچ کدام از مصوبات این اجلاس ضمانت اجرایی ندارد اما شاید جلب حمایت می توانست فشاری روی دولت آمریکا و متحدان اروپائی آن باشد. نمایش بازدید بعضی از شرکت کنندگان اجلاس از تاسیسات هسته ای، به اندازه کافی مسخره بود که کسی به آن اهمیت ندهد. رژیم در این زمینه هم نتوانست موفقیتی داشته باشد.

جمهوری اسلامی در مورد طرح مسئله فلسطین به دلخواه خود، نیز در این اجلاس شکست خورد. همزمان با دعوت از محمود عباس رئیس دولت خودگردان فلسطین، از اسماعیل هانیه رهبر حماس نیز دعوت شد تا در اجلاس شرکت کند. اما او ترجیح داد که این دعوت را رد کند. اسماعیل هانیه که آینده ای برای جمهوری اسلامی و سوریه نمی بیند، ترجیح داد که خود را در مقابل دولت عربستان و متحدانش قرار ندهد و با طناب جمهوری اسلامی به چاه نرود. بندهای بیانیه پایانی اجلاس در مورد اسرائیل و فلسطین، هیچ پیشرفتی را برای سیاست های جمهوری اسلامی در بر نداشت.

هر روز از برگزاری این اجلاس برای رژیم، سرشکستگی و انزوای بیشتری در بر داشت. گنده گویی خامنه ای و سایر مقامات جمهوری اسلامی از سازمان ملل متحد و شرکت در مدیریت جهانی با تشر روسیه و استهزای سایر دولت ها و رسانه ها روبرو شد. پیشنهاد ایجاد نظام بانکی و پولی مشترک برای دولت های "غیر متعهد" مضحک تر از آن بود که کسی آن را جدی بگیرد. این حرف ها برای حکومتی که از حل ابتدائی ترین مشکلات خود عاجز است، خیلی زیاد است. حکومتی که قادر به تامین مدرسه ایمن و وسایل تحصیلی برای کودکان نیست. برای حکومتی که یک ماه بعد از وقوع زلزله نتوانسته است چادر و لوازم اولیه زندگی برای زلزله زدگان تهیه کند و مردم برای نبودن مرغ و تخم مرغ دست به شورش می زنند و ... برای چنین حکومتی طرح چنین ادعاهایی انزجار آور است.

برگزاری اجلاس سران "غیر متعهد" برای جمهوری اسلامی بجز شکست و رسوایی چیزی نداشت. جمهوری اسلامی بیش از ۱۱۰ هزار نفر از نیروهای نظامی خود را برای ایجاد وحشت و ارعاب بیشتر در تهران سازماندهی کرد. تمام اوباش مسلح خود را برای بیرون راندن مردم از شهر بسیج نمود. این عمل هراس جمهوری اسلامی از مردم را به نمایش گذاشت. رژیم بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان هزینه برگزاری این اجلاس نمود. اخبار مربوط به فاجعه زلزله در آذربایجان را سرپوش گذاشت و تمام رسانه های خود را مامور پوشش دادن به تبلیغات این اجلاس کرد. مردم این هزینه های گزاف و فقر و فلاکت خود را به چشم می بینند و واکنش آنها بجز ابراز تنفر و بیزاری بیشتر از حکومت اسلامی چیز دیگری نیست.

در طول برگزاری اجلاس بیشترین تحقیرها متوجه خامنه ای بود. بان کی مون به ولی فقیه در زمینه های مختلف انتقاد کرد و حملات محمد مورسی به سوریه درست بعد از صحبت خامنه ای و مانند پاسخی به او انجام شد. محمد مورسی حاضر به ملاقات خامنه ای نشد و "نایب بر حق امام زمان" را بیشتر مورد تحقیر قرار داد. تلاش رژیم برای نشان دادن یک چهره یکپارچه و منسجم هم شکست خورد. احمدی نژاد و باند او ماهرانه سعی کردند برگزاری این اجلاس و افتضاحات آن را به گردن جناح خامنه ای بیندازند. حتی محمد باقر قالیباف شهردار تهران که می بایست بعنوان میزبان در این "اجلاس مهم" شرکت داشته باشد، به ایتالیا رفت و سعی کرد خود را از افتضاحات اجلاس دور نگاه دارد. و روز بعد از تمام شدن اجلاس جنجال و دعواهای درون رژیم دوباره بالا گرفت.

برگزاری اجلاس غیر متعهدها یک شکست بزرگ برای جمهوری اسلامی بود. رژیمی که موارد بیشمار مورد قتل، ترور، شکنجه، آزار و غارتگری مردم را در پرونده خود دارد، با برگزاری این اجلاس نه تنها نتوانست حتی برای لحظه ای این جنایات را از نظر ها بپوشاند بلکه رسواتر و بی آبرو تر شد. این شکستی برای خامنه ای، احمدی نژاد و تمام نظام اسلامی است. از سوی دیگر برگزاری اجلاس غیر متعهدها در بزرگترین مرکز حکومت وحشی ترین باندهای مافیائی بجز بی اعتباری بیشتر این نهاد ثمره دیگری نداشت. پس از اجلاس تهران ریاست دوره ای آن به عهده یک تیر خلاص زن گذاشته شده است که رسما هولوکاست را انکار می کند و در سازماندهی بزرگترین غارتگری ها و جنایات تاریخ معاصر جهان شرکت مستقیم داشته است. با این وصف آیا می توان برای نهاد و یا جنبش "غیر متعهد ها" ارزش و اعتباری قائل شد؟